

پناه می‌بریم به کسی که از راز دل‌ها آگاه است

احمد عدالتیان| در ادامه مرور سوره‌های کوچک قرآن کریم، آیات سوره مبارک ناس را باهم تلاوت می‌کنیم که خداوند می‌فرماید: «قُلْ أَغُوْذُ بِرَبِّ النَّاسِ، مُلِكِ النَّاسِ، إِلَهِ النَّاسِ، مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَفَّاسِ، الَّذِي يُّؤْوِسُ فِيْ شُدُوْرِ النَّاسِ، مِنْ أَجْثَثِهِ وَالنَّاسِ، يَكُوْنُ پناه می‌برم به پروردگار مردم، [به] پادشاه مردم، [به] معبود مردم، از زبان وسوسه‌گر کمین‌گرفته و پنهان؛ آنکه همواره در سینه‌های مردم وسوسه می‌کند، از جنیان باشد یا آدمیان.»

این سوره به وسوسه‌کننده‌ای اشاره می‌کند که در کمین انسان نشست‌ه است و او را به انحراف از مسیر خداوند و انجام گناه ترغیب می‌کند؛ همان‌طور که پیامبر اسلام (ص) می‌فرمایند: «شیطان بردل انسان‌ارمیده است» هرگاه [انسان] یاد خدا کند، پنهان می‌شود و هرگاه غافل شود، او را وسوسه می‌کند.» شیطان مخفی است و کارش راهم مخفیانه انجام می‌دهد و با تظاهر و توجیه در لباس زیبا جلوه می‌کند تا موفق شود. البته وسوسه‌کننده می‌تواند انسان هم باشد و تطمیع‌ها و وعده‌ها، امروزو فردا کردن‌ها و پیگیری راه اشتباه ازجمله راه‌های وسوسه است.

وسوسه مدنظر در این سوره، درون روح و قلب انسان رخ می‌دهد و با ایمان و عقل و فکر ما بازی می‌کند، بنابراین سه‌بار نام خداوند آورده شده است که به او پناه ببریم؛ زیرا خطر انحراف فکری و تأثیر آن بر روح، به مراتب بیشتر از خطرات خارجی است و دشمنان فرهنگی و فکری، از دشمنان نظامی و اقتصادی، مرموزتر و خطرناک‌ترند.

در برابر وسوسه‌ها به کسی پناه می‌بریم که اسرار و وسوسه‌های درونی را می‌شناسد، از خیانت چشم‌ها باخبر است و از آنچه سینه‌ها پنهان می‌کنند، آگاه است.

حکمت

محکم بایستید و مقاومت کنید

حسین ابراهیمی| در بخشی از خطبه‌های نهج البلاغه که به ماجرای جنگ صفین مربوط می‌شود، حضرت امیرالمؤمنین^(ع) با سخنانی کوتاه اما عمیق، روحیه یاران خود را تقویت و راهبردهای اساسی میدان نبرد را برای آن‌ها تبیین می‌کند. محور اصلی این سخنان، ایجاد روحیه استقامت، یقین به حقانیت و شجاعت دربرابر دشمن است. در پایان این خطبه که خطبه ۶۶ نهج البلاغه است، حضرت می‌فرماید: «محکم بایستید و مقاومت کنید تا حق بر شما آشکار شود و شما برترید، خدا با شماست و از اعمال نیکتان چیزی نمی‌کاهد.»

امام^(ع) نخست با یادآوری حضور دائمی خداوند، به یاران خود اطمینان می‌دهد که آنان دربرابر دیدگان الهی قرار دارند. این یادآوری دو اثر مهم دارد: از یک‌سو به انسان قدرت و آرامش می‌بخشد؛ زیرا می‌داند که تنها نیست و تحت حمایت الهی قرار دارد و ازسوی دیگر حس مسئولیت را در او تقویت می‌کند. درکنار این حقیقت، امام برهمراهی نزدیک‌ترین فرد به پیامبر اکرم (ص) با آنان نیز تأکید می‌کند تا تردیدی در حقانیت مسیرشان باقی نماند. در ادامه، امام^(ع) دو دستور اساسی برای میدان نبرد بیان می‌کند: حملات پیاپی به دشمن و پرهیز از فرار. از نگاه ایشان، پیروزی در جنگ‌های بزرگ با یک حمله حاصل نمی‌شود، بلکه با ضربات مداوم، دشمن را فرسوده و ناتوان می‌کند. درمقابل، فرار از میدان جنگ، ننگی است که نه تنها دامان فرد، بلکه دامان نسل‌های آینده او را نیز دربرمی‌گیرد و در آخرت نیز پیامدهای سنگینی دارد.

امام^(ع) سپس یاران خود را به استقبال از شهادت فرامی‌خواند و آن را راهی روشن و هموار معرفی می‌کند؛ راهی که مجاهدان باید با آرامش و رضایت قلبی در آن گام بردارند. این نگاه نشان می‌دهد که در منطق ایمان، شهادت نه پایان راه بلکه اوج فداکاری در مسیر حق است.

درنهایت، امام^(ع) راهبرد نظامی مهمی را مطرح می‌کند و دستور می‌دهد که حمله به قلب سپاه دشمن و مرکز فرماندهی آنان انجام گیرد؛ زیرا چنین حمله‌ای، روحیه دشمن را درهم می‌شکند. ایشان با اشاره به ناپایداری و فرصت‌طلبی دشمنان، یاران خود را به پایداری فرامی‌خواند و وعده می‌دهد که با استقامت، حق آشکار خواهد شد؛ چراکه خداوند با اهل حق است و پاداش تلاش آنان را هرگز ضایع نخواهد کرد.

احکام محرم

آسیب‌هایی که می‌تواند

حرمت عزای حسینی را مخدوش کند

عشق و ارادت به خاندان عصمت و طهارت^(ع) جوهره مجالس عزاداری است، اما این محبت پرشور زمانی به کمال می‌رسد که با عقلانیت و ادب همراه شود. هرچند هدف از مرثیه‌سرایی و ابراز ارادت، نمایش تعلق خاطر و خاک‌ساری دربرابر اهل بیت^(ع) است، اما به‌کارگیری الفاظ و رفتارهایی که شایسته ساحت قدسی آن بزرگواران نباشد، نه تنها اجر معنوی را زایل می‌کند، بلکه به وهن مذهب و استهزای دین در نگاه دیگران می‌انجامد. در ادامه، نظر مراجع عظام تقلید درباره برخی از این آسیب‌ها و پرهیز از خرافات در مجالس عزاداری بیان شده است.

سرودن و خواندن شعرهایی که در آن از الفاظی نامناسب استفاده شده است و الفاظ مذکور را به ساحت مقدس ائمه اطهار^(ع) و خودشان نسبت می‌دهند، چه حکمی دارد؟

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی، عزاداری ائمه اطهار^(ع)، مخصوصا خامس آل عبا، از افضل قُرَبات است و سرودن و خواندن اشعاری که حکایت از مظلومیت و زحمت و فداکاری آن حضرات نماید، کار بسیار خوبی است، ولی باید از هرکاری که باعث هتک حرمت آن بزرگواران و موجب وهن مذهب در نظر دیگران می‌شود، پرهیز شود.

گاه در هیئت وقتی مداح اسم سگ می‌آورد مثلاً می‌گوید من سگ حسینم، بعضی افراد لفظ هو را به عنوان صدای سگ درمی‌آورند و چندبار هو می‌کشند، این کار چه حکمی دارد؟

آیت‌الله العظمی شهید سید علی خامنه‌ای گفتن این الفاظ شایسته نیست و درهرحال مناسب است مؤمنان، مراعات شئون عزاداری معصومین^(ع) به‌ویژه سید و سالار شهیدان، اباعبدالله الحسین^(ع)، را بنمایند.

آیا تقلید صدای سگ با الفاغ یا کوتر در موقع سینه زدن، برای اظهار عجز درمقابل ائمه^(ع) جایز است؟

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی، این کار زنده است و اهانت به مقام شامخ ائمه^(ع) می‌باشد.

خواندن روضه‌های دروغ و نامعتبر که موجب تمسخر و هتک می‌شود، چه صورت دارد؟

حضرات آیات خامنه‌ای، سیستانی و مکارم شیرازی، اگر دروغ و موجب هتک و تمسخر باشد، جایز نیست.

شایان ذکر است آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی در استفتانات دیگری می‌فرمایند؛ باید از هرکاری که باعث هتک حرمت آن بزرگواران و موجب وهن مذهب در نظر دیگران می‌شود، پرهیز شود و تعبیراتی که در عرف توهین‌آمیز است، مانند نسبت به خود دادن یا صدای حیوانات درآوردن، هیچ‌کدام مناسب مجالس عزاداری نیست و باید به همه نصیحت کنند از این امور که باعث وهن این مراسم بزرگ و موجب ناراحتی حضرت بقیه‌الله^(عج) می‌شود، پرهیز کنند.

شهر

۲۳ شنبه

۸ مهر ۱۴۰۵
۱۲ مهر ۱۴۰۴
۲۷ شهریور ۱۴۰۳

۱۴



عاشورا

بررسی استمرار نقش حماسی زنان در تاریخ

در گفت‌وگو با مدیر مؤسسه مکتب نرجس (ص)

عاشورا قطب‌نمای الگوی سوم زن مسلمان

گفت‌وگو

آمنه مستقیمی| اگرچه ماجرای نیم‌روز کربلا حماسه‌ای مردانه بود و در میدان مبارزه حق با باطل این مردان بودند که سر و جان دادند و محاسن به خون خویش خضاب کردند اما به‌گواه تاریخ، این زنان بودند که هم در بسترسازی آن رشادت‌ها، هم در استمرار واقعه و هم در پاسداشت و حیاتش، نقش اصلی را ایفا کردند؛ نقشی که مصرع «کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب (ص) نبود» به‌خوبی آن را بازگو می‌کند. در بازخوانی نقش زنان در قیام عاشورا و الهام بخشی‌های آن در تاریخ، با منور شایسته‌خو، مدیر مؤسسه علمی تحقیقی مکتب نرجس (ص)، گفت‌وگو کرده‌ایم.

۳ نقش محوری زنان در عاشورا

زنان در واقعه کربلا از حدوث تا تاریخ‌سازی سه نقش محوری ایفا کردند، نخست حضور در میدان نبرد، مانند حضرت زینب (ص) که در روز عاشورا پشتیبان امام حسین^(ع) و آرام‌بخش زنان و کودکان قوت‌قلب مردان بودند؛ دوم اسارت و پیام‌رسانی؛ چنان‌که پس از شهادت حضرت سیدالشهدا^(ع) و یارانشان، کاروان اسرا به رهبری زینب کبری (ص)، پیام قیام را به کوفه و شام رساندند و با خطبه‌های آتشین، ماهیت بنی‌امیه را افشا کردند و سومین نقش، تاریخ‌سازی است؛ زنان با تبدیل شکست نظامی به پیروزی گفتمانی، واقعه را از یک رویداد تاریخی به یک جریان زنده و پویا تبدیل کردند.

زن تراز انقلاب اسلامی

رهبر شهیدانقلاب، حضرت امام‌خامنه‌ای، همواره بر «الگوی سوم زن مسلمان» تأکید داشتند؛ زنی که نه غرب‌زده (به‌مثابه کالا) و نه سنت‌زده (مجبوس در خانه) است، بلکه «زن تراز انقلاب اسلامی» در میدان علم، سیاست و مجاهدت، همراه با غفت و کرامت، الگوی خود را از حضرت زینب (ص) و حضرت فاطمه (ص) می‌گیرد. امروز اگرچه این الگو در جامعه ایران به‌صورت صد‌صدی محقق نشده، اما پیشرفت‌های چشمگیری در عرصه‌های علمی (۶۰ درصد دانشجویان علوم پایه)، مدیریتی و حضور در عرصه‌های بین‌المللی داشته است. همچنان مسیر پرچالش است. اما «عاشورا»، قطب‌نمای اصلی بانوان ایران اسلامی در حرکت برای دستیابی به تمدن‌نوین اسلامی است.

خیزش عاشورایی زنان در حماسه خیابان

یکی از بهترین و زیباترین جلوه‌های استمرار و عینیت نقش زنان عاشورایی در تاریخ، جنگ تحمیلی سوم و حماسه خیابان است؛ البته پیش‌تر در جنگ تحمیلی اول، زنان ایرانی با حضور در پشت جبهه (پشتیبانی، امدادگری) و حتی گاهی در جبهه‌های نبرد (به‌عنوان پرستار یا رزمنده) و مهم‌تر از آن، با تربیت فرزندان شهید و صبر بر مصائب، الگوی صبر زینبی را عینیت بخشیدند. در این میان، نام «جنگ رمضان» (جنگ تحمیلی سوم) نماد مقاومت در سخت‌ترین شرایط است؛ یادآوری صحنه‌هایی از جست‌وجوی مادران و پدران برای یافتن پیکر فرزندانشان از زیر آوارهای مدرسه میناب و مقاومت وصف‌ناپذیر مادران در این حمله ددمنشان.

مدیر مؤسسه

مکتب نرجس (ص)

قطعا بدون حضور زنان،

کربلا فاقد آن جلوه‌های

انسانی و عاطفی

می‌شد که امروز وجدان

جهانی را تحت تأثیر قرار

داده است

عاطفه در عاشورا را مدیون حضور زنان هستیم

یکی از مهم‌ترین آثار حضور زنان در واقعه کربلا، تزریق بعد عاطفی و احساسی به این حماسه است. قطعاً بدون حضور زنان، کربلا فاقد آن جلوه‌های انسانی و عاطفی می‌شد که امروز وجدان جهانی را تحت تأثیر قرار داده است. گریه‌های حضرت رقیه^(ص) در شام یا خطبه‌های حضرت زینب (ص)، ایعاد حزن و مصیبت و حماسی را چنان درهم آمیخت که تشنه‌ترین دل‌ها را نیز متأثر ساخت، از این رو اینکه بگوییم زنان، راز ماندگاری عاطفی این حماسه هستند، گراف نیست.

چشم زنان مقاومت به حضرت زینب (ص) است

نقش زنان در عاشورا در طول تاریخ به صورت «الگوی مقاومت و روشنگری» ادامه یافته است. از قیام‌های شیعی در دوره‌های مختلف گرفته تا جنبش‌های استقلال‌خواهی، زنانی که نقش اجتماعی و سیاسی را درکنار حفظ کرامت خانوادگی ایفا کردند، همواره به حضرت زینب کبری (ص) چشم و تأسی داشته‌اند؛ بانویی که با کنشگری به جا و اثرگذار سیاسی، ورق را در مجلس ابن‌زیاد در کوفه و نیز در مجلس یزید در شام به نفع سیدالشهدا^(ع) برگرداند و مدافع نهضت برادر شد. این الگو در ادبیات، هنر و شاعران مذهبی نیز به طرق مختلف بازتولید شده است.

بانوان ایران اسلامی محور تجمعات خیابان

باید توجه داشت الهام زنان ایران اسلامی از بانوان عاشورایی، به جنگ تحمیلی سوم و حماسه شب‌های اقتدار خیابان محدود نمی‌شود، بلکه حضور گسترده زنان در تظاهرات سال ۵۷ و تمام راهپیمایی‌ها و تجمعات در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب ادامه داشته است اما اوج آن در این نزدیک به ۱۲۰ روز است که بانوان ایران اسلامی محور تجمعات خیابان شدند و خانواده را نیز با خود همراه و دشمنان را ناامید کردند؛ صبر و ایستادگی و شعارهای روشنگرانه و مقابله زنان با ظلم و ستم در تجمعات شبانه، برگرفته از همان روحیه افشاجری و شجاعت حضرت زینب (ص) و دیگر زنان عاشوراست که بارها در منابر و مجالس حسینی از آن شنیده بودیم و اینک جلوه‌های آن را دیدیم.

فصل دوم عاشورا؛ وقتی اسارت به جهاد تبیین تبدیل شد

در این مسیر، زبان عاطفه و روشنگری، نقش تعیین‌کننده‌ای داشت. صحنه‌هایی که درکنار پیکرهای شهدا شکل گرفت، وجدان‌های خفته را بیدار کرد. روایت کردند شخصیت و جایگاه آن‌ها را در نگاه مردم تحقیر کنند. اما همه این فشارها نتوانست اراده و استقامت این خاندان را درهم بشکند.

اهل بیت^(ع) در این مسیر نه تنها تسلیم نشدند، بلکه همین شرایط را به فرصتی برای روشنگری تبدیل کردند. مقاومت آن‌ها، نقشه‌های دشمن را ناکام گذاشت، نه التماسی در رفتارشان دیده شد و نه نشانی از شکستن روحیه. بزرگ‌ترها حتی در برابر ضربات تازیانه، خود را سیر کودکان می‌کردند تا آسیب کمتری به آنان برسد. همین استقامت نشان داد که این اسارت، میدان مأموریتی بزرگ‌تر است. درواقع از همان کنار قتلگاه، مرحله تازه‌ای از نهضت آغاز شد؛ مرحله‌ای که می‌توان آن را جهاد تبیین نامید. اگر حادثه کربلا تنها به یک نبرد نابرابر ختم می‌شد، در شرایط آن زمان که ابزارهای ارتباطی گسترده‌ای وجود نداشت، شاید پیام عاشورا در همان محدوده جغرافیایی باقی می‌ماند. اما حرکت اهل بیت^(ع) در مسیر اسارت، این واقعه را به یک جریان اجتماعی و فرهنگی تبدیل کرد.

برگرفته از خطبه‌های نماز جمعه مشهد به امامت آیت‌الله سید احمد علم‌الهدی تنظیم: حجت‌الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

کجاوه‌های نامناسب نشان‌دند، در گرمای سوزان بیابان حرکت دادند و بارها مورد آزار و ضرب و شتم قرار دادند. حتی در برخی شهرها با رفتارهایی حساب‌شده، تلاش کردند شخصیت و جایگاه آن‌ها را در نگاه مردم تحقیر کنند. اما همه این فشارها نتوانست اراده و استقامت این خاندان را درهم بشکند.

اهل بیت^(ع) در این مسیر نه تنها تسلیم نشدند، بلکه همین شرایط را به فرصتی برای روشنگری تبدیل کردند. مقاومت آن‌ها، نقشه‌های دشمن را ناکام گذاشت، نه التماسی در رفتارشان دیده شد و نه نشانی از شکستن روحیه. بزرگ‌ترها حتی در برابر ضربات تازیانه، خود را سیر کودکان می‌کردند تا آسیب کمتری به آنان برسد. همین استقامت نشان داد که این اسارت، میدان مأموریتی بزرگ‌تر است. درواقع از همان کنار قتلگاه، مرحله تازه‌ای از نهضت آغاز شد؛ مرحله‌ای که می‌توان آن را جهاد تبیین نامید. اگر حادثه کربلا تنها به یک نبرد نابرابر ختم می‌شد، در شرایط آن زمان که ابزارهای ارتباطی گسترده‌ای وجود نداشت، شاید پیام عاشورا در همان محدوده جغرافیایی باقی می‌ماند. اما حرکت اهل بیت^(ع) در مسیر اسارت، این واقعه را به یک جریان اجتماعی و فرهنگی تبدیل کرد.

نداشت که خانواده امام حسین^(ع) از آغاز این مسیر را با ایشان همراهی کنند. حضور آنان، نشان‌دهنده مأموریتی الهی بود که در ادامه نهضت عاشورا معنا پیدا می‌کرد. همان‌گونه که شهادت امام حسین^(ع) بخشی از این حرکت بزرگ بود، اسارت خاندان او نیز نقشی تعیین‌کننده در تکمیل این نهضت داشت.

در سوی مقابل، حکومت اموی نیز برای اسارت اهل بیت^(ع)، اهداف مشخصی را دنبال می‌کرد. نخستین هدف، شکستن روحیه خاندان پیامبر (ص) و تحقیر آنان بود. آنان می‌خواستند با فشار، آزار و شکنجه، عزت و جایگاه این خاندان را درهم بشکنند تا در نگاه مردم، شکسته و بی‌اعتبار جلوه کنند. هدف دوم، نمایش اسارت اهل بیت^(ع) در شهرها و بازارها بود تا هیبت و جایگاه پیامبر (ص) در ذهن مردم تضعیف شود و درمقابل، قدرت و عظمت حکومت اموی به نمایش گذاشته شود. سومین هدف نیز ایجاد رعب و وحشت در جامعه بود؛ پیامی روشن به مخالفان که هرکه در برابر حکومت بایستد، نه تنها خود بلکه خانواده و نزدیکانش نیز گرفتار چنین سرنوشتی خواهند شد.

در مسیر اسارت، انواع فشارها و سختی‌ها بر اهل بیت^(ع) تحمیل شد. آنان را بر

خطبه نماز جمعه

عاشورا در ظهر دهم محرم پایان نیافت. شهادت امام حسین^(ع) و یارانش آغاز حادثه‌ای بود که فصل دوم آن از یازدهم محرم شروع شد؛ فصلی که با اسارت اهل بیت^(ع) رقم خورد و درحقیقت ادامه همان نهضتی بود که در کربلا شکل گرفت. اگر میدان نبرد کربلا صحنه ایشار و شهادت بود، مسیر اسارت، صحنه تبیین و روشنگری شد؛ مسیری که پیام عاشورا را از یک واقعه تاریخی به یک جریان ماندگار در تاریخ اسلام تبدیل کرد.

نهضت امام حسین^(ع) در دو مرحله شکل گرفت؛ نخست مرحله شهادت و سپس مرحله اسارت. مرحله اول در روز عاشورا با شهادت سیدالشهدا^(ع) و یاران وفادارش به اوج رسید، اما این پایان‌را نبود. حضور اهل بیت^(ع) در کربلا از ابتدا نشان می‌داد که این نهضت، به میدان جنگ محدود نمی‌شود. همراهی زنان و کودکان در این حرکت، بیانگر آن بود که رسالتی فراتر از نبرد نظامی در پیش است؛ رسالتی که قرار بود پیام قیام را به جامعه منتقل کند و حقیقت ماجرا را برای افکار عمومی آشکار سازد. اسارت اهل بیت^(ع) صرفاً پیامد طبیعی جنگ نبود. اگر چنین بود، ضرورتی

در سپهر
پرهیزکاری